

## پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا برای ایالات متحده آمریکا

تاریخ دریافت مقاله: خرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: تیر ۱۳۹۹

پویا کلانتری<sup>۱</sup>، سید محمد ساداتی نژاد<sup>۲</sup>، احمدرضا یوسفوند<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر ارشد، روابط بین الملل در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی، معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)

نویسنده مسئول:

پویا کلانتری

### چکیده

خروج بریتانیا به عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار در سطح بین‌الملل از اتحادیه اروپا یکی از مهم‌ترین موضوعات حال حاضر روابط بین الملل است. بر همین اساس، پرسش از تأثیرات این خروج بر ایالات متحده آمریکا به عنوان متحد راهبردی بریتانیا و همچنین یک قدرت مهم جهانی پس از جنگ جهانی دوم تا کنون، سوالی مهم و اساسی است که مورد توجه کارشناسان روابط بین الملل قرار دارد و در این پژوهش نیز نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش هستند. در این اثر که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است، در کنار پاسخ به سوال اصلی فوق، به بررسی روابط فرا آتلانتیکی بریتانیا، سیاست خارجی این کشور و چیستی پدیده برگزیت نیز پرداخته شده است. با توجه به آنکه همواره ایالات متحده آمریکا به عنوان یک مؤلفه مؤثر در سیاست خارجی بریتانیا قلمداد می‌شود و مسئله خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نیز از این قاعده مستثنی نیست، آمریکا در تشدید تمایل بریتانیا به اجرایی نمودن طرح برگزیت، نقش موثری را ایفا میکند. مسئله برگزیت از لحاظ اقتصادی برای آمریکا از بسیاری از جنبه‌ها یک شوک اقتصادی محسوب می‌شود. اما برگزیت برای آمریکا یک روی دیگر نیز دارد و آن مربوط می‌شود به حضور جهانی بریتانیا پس از خلاصی از محدودیت‌های اتحادیه اروپا که پیش‌بینی می‌شود این امر در جهت همکاری بیشتر با آمریکا در مناطق مختلف جهان از جمله غرب آسیا و همچنین نبرد اقتصادی با چین خواهد بود و از این منظر آورده‌های مهمی برای آمریکا دارد.

**کلمات کلیدی:** آمریکا، برگزیت، بریتانیا، سیاست خارجی.

## مقدمه

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان می‌تواند تأثیر زیادی بر اقتصاد جهانی و همچنین سیاست بین‌الملل از جمله ایالات متحده داشته باشد. با توجه به این که بریتانیا از اصلی‌ترین متحدان آمریکا و به نوعی نقطه اتصال سیاسی و اقتصادی این کشور با اتحادیه اروپا به عنوان کارآمدترین اتحادیه جهان است، بررسی اثرات خروج این کشور بر آمریکا به عنوان کشوری که خود زمانی از حامیان تشکیل و تقویت همگرایی اروپایی بوده است؛ بسیار حائز اهمیت است. چرا که آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی نقش بسیار مهمی را در جهان بین‌الملل ایفا می‌کند. از این رو در این مقاله به بررسی تأثیرات مختلف خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا که می‌توان آن را مهم‌ترین پدیده در سیاست خارجی بریتانیا در قرن ۲۱ دانست، بر آمریکا پرداخته شده است. با توجه به اهمیت مسئله برگزیت در تعیین معادلات جهانی، خصوصاً با توجه به ارتباط این مسئله با روابط فرآتلانتیکی بریتانیا، بررسی این تأثیرات اهمیت زیادی در تحلیل سیاست خارجی دارد. فرضیه مقاله حاضر این است که برگزیت از لحاظ اقتصادی، از برخی جنبه‌ها، یک شوک برای آمریکا محسوب می‌شود و از لحاظ سیاسی در راستای تضعیف اتحادیه اروپا و افزایش حمایت انگلستان از منافع آمریکا در اقصی نقاط جهان قرار دارد. در این مقاله تلاش بر این بوده است که با تمرکز بر برگزیت به عنوان متغیر مستقل به تأثیرات آن بر آمریکا به عنوان متغیر وابسته پرداخته شود.

## ۱. پیشینه پژوهش

با وجودی که مسئله برگزیت یکی از با اهمیت‌ترین مسائل روز است، تاکنون منابع زیادی در این زمینه به رشته تحریر درنیامده و تنها مقالات انگشت شماری به این موضوع پرداخته‌اند. یکی از این مقالات، مقاله ملت و عابدینی (۱۳۹۶: ۴۵۹ - ۴۷۹) تحت عنوان «آثار حقوقی بین‌المللی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا» است. این مقاله با پرداختن به سیر تحولات مسئله برگزیت طی سال‌های اخیر، ساختار حقوقی، سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و همچنین با بررسی شرایط خروج از اتحادیه اروپا به آثار حقوقی جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا می‌پردازد. به طور دقیق‌تر، این مقاله به بررسی تأثیر برگزیت بر حقوق معاهدات، حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوق بشر، حقوق مهاجرت و حقوق بین‌الملل محیط زیست اختصاص دارد.

یکی دیگر از مقالات این حوزه، مقاله صباقیان و باقری (۱۳۹۶: ۹۴۹ - ۹۶۸) تحت عنوان «بررسی و تحلیل ساختارمند روابط بریتانیا و اتحادیه اروپا از عضویت تا برگزیت (براساس رویکردهای بین‌حکومت‌گرایی و فراملی‌گرایی)» است. در این مقاله نیز با توضیح نحوه عضویت بریتانیا در اتحادیه مذکور و همچنین با مبنا قرار دادن نظریات بین‌حکومت‌گرایی و فراملی‌گرایی، به تبیین رابطه بریتانیا با اتحادیه اروپا طی دهه‌های اخیر پرداخته شده است.

مقاله ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶: ۱۵۷ - ۱۸۵) با عنوان «برگزیت و پیامدهای حقوقی، ژئوپلیتیکی و سیاسی - امنیتی آن» نیز یکی دیگر از مقالات به رشته تحریر درآمده در این عرصه است. در این مقاله با مبنا قرار دادن «نظریه همگرایی» به بیان پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا پرداخته شده است. در این مقاله، پیامدها به سه دسته کلی تقسیم شده است: الف) پیامدهای حقوقی که ذیل آن به تأثیر برگزیت بر حقوق معاهدات، حقوق بین‌الملل اقتصاد و... پرداخته شده است. ب) پیامدهای ژئوپلیتیکی که ذیل آن به تأثیر برگزیت بر موازنه قدرت در اروپا پرداخته شده است. ج) در قسمت سوم به پیامدهای سیاسی و امنیتی برگزیت که شامل غلبه رأی توده بر رأی نخبه، تجزیه پادشاهی بریتانیا و... مورد بحث قرار گرفته شده است.

مقاله نورعلی‌وند (۱۳۹۵: ۲۳ - ۲۸) تحت عنوان «برگزیت و تأثیر آن بر منافع ملی ایران» نیز یکی دیگر از مقالات این عرصه است. در این مقاله کوتاه سعی شده است با بیان مسائلی همچون نقش کلیدی انگلیس در سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال ایران، احتمال چندتکه شدن بریتانیا و کاهش نقش این کشور در عرصه بین‌الملل و تأثیر برگزیت بر برجام و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به بررسی تأثیر خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بر منافع ملی ایران پرداخته شود.

مقاله حاتم‌زاده و نورعلی‌وند (۱۳۹۷: ۱۶۱ - ۱۶۴) با عنوان «روابط فرآتلانتیک پس از برگزیت و ترامپ؛ پیامدها برای ایران» نیز یکی دیگر از مقالات به رشته تحریر درآمده در این موضوع است. در این مقاله با توجه به اینکه همگرایی و واگرایی در روابط فرآتلانتیک و نقش بریتانیا در اتحادیه اروپا همواره دو متغیر مهم تأثیرگذار بر روابط اتحادیه اروپا و ایران بوده است، این سؤال مطرح شده که وقوع برگزیت و روی کار آمدن ترامپ چه تأثیری بر روابط فرآتلانتیک و چه پیامدهایی برای ایران دارد؟ فرضیه مقاله این است که برگزیت و روی کار آمدن ترامپ با ایجاد شکاف بی‌سابقه در روابط فرآتلانتیک و کسری امنیت در اروپا، اتحادیه اروپا را به سمت کاهش وابستگی راهبردی و دفاع از ارزش‌ها و منافع خود سوق داده است. باتوجه به تجارب گذشته، این تحولات حاوی فرصت‌های کم‌نظیری برای توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با اروپا است.

مقالات ذکر شده بیشتر به تأثیر برگزیت بر بریتانیا و مسائل حقوقی پرداخته‌اند و همچنین در بخش دوم و سوم مقاله آقای شیرازی به بخشی از پیامدهای برگزیت بر بریتانیا و اتحادیه اروپا در کنار یکدیگر پرداخته شده است. با توجه به تأثیرات کلانی

که برگزیت می‌تواند بر مسائل سیاسی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا داشته باشد، نگارندگان این مقاله سعی دارند با جمع‌آوری و همچنین بررسی جامع تأثیرات برگزیت بر آمریکا، به ابعاد مختلف این امر پرداخته و با تمرکز بر آن به محتوای علمی در این حوزه عمق بخشند.

## ۲. مفاهیم

### ۱.۲. برگزیت

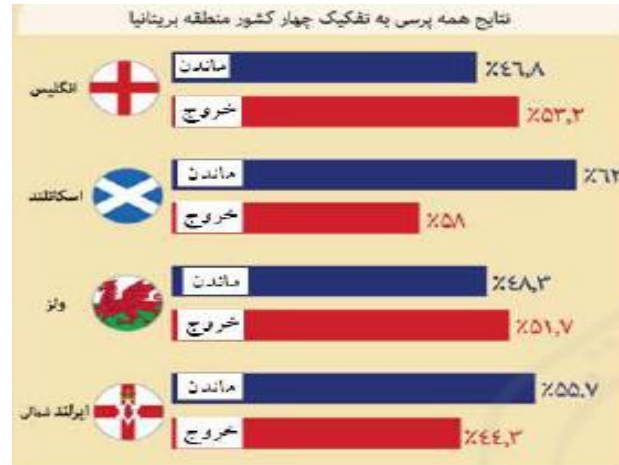
واژه برگزیت کوتاه شده عبارت انگلیسی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا است<sup>۱</sup> (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۵۷). خروج یک کشور عضو اتحادیه اروپا از این اتحادیه که تنظیم کننده قواعد در حوزه‌های مختلف امنیتی، حقوق شهروندی، مهاجرت و مسائل اقتصادی است و همچنین تسهیل کننده عبور و مرور کالاها و خدمات بر اساس قوانین بازار واحد است (Amaedo, 2019)، امری بی سابقه است. البته در گذشته در یونان نیز مسئله خروج از اتحادیه اروپا مطرح شد، اما اراده و عزم قوی برای انجام فرآیند خروج وجود نداشت. با این حال این رویداد میراثی را در ادبیات روابط بین الملل به جا گذاشت که در واقع همان واژه «گرگزیت» بود. واژه «برگزیت» نیز از همین واژه الهام گرفته شده است (بیات و کلانتری، ۱۳۹۷: ۱۰).

بخش دوم	بخش اول	نام کامل
EXIT	BRITAIN	BREXIT
خروج	بریتانیا	خروج بریتانیا
EXIT	GREEK	GREXIT
خروج	یونان	خروج یونان

برای سال‌ها روابط بریتانیا و اتحادیه اروپا به صورت نه چندان محکم و گاهی پرتنش ادامه داشته است. در طی این مدت، همواره لندن به وسیله عدم اجرای برخی سیاست‌های اساسی اتحادیه اروپا فاصله خود را از این اتحادیه حفظ کرده است. از جمله آن سیاست‌ها می‌توان به پول واحد یورو و سیاست‌های اتحادیه اروپا در خصوص کنترل مرزها ذیل معاهده شنگن<sup>۲</sup> اشاره کرد (McBride, 2019). این تنش‌ها در طی سال‌های متمادی ادامه داشت تا این که دیوید کامرون، نخست وزیر سابق بریتانیا، با ذکر دلایلی از جمله اشاره به مسئله مهاجرت، پیش از انتخابات سراسری سال ۲۰۱۵ به مردم وعده همه‌پرسی برای خروج از اتحادیه اروپا را داد (Cameron's Government, 2015: 53 David). در ۲۳ ژوئن سال ۲۰۱۶ میلادی (سوم تیر ماه سال ۱۳۹۵) همه‌پرسی برگزار شد و ۵۱.۹ درصد از بریتانیا خواهان خروج از اتحادیه اروپا شدند. به تفکیک مناطق مختلف بریتانیا نیز این همه‌پرسی قابل بررسی است. در انگلستان ۴۶.۸ درصد رای به ماندن دادند که در طرف مقابل ۵۳.۲ درصد رای به خروج دادند. اما در خصوص سایر مناطق اوضاع متفاوتی را شاهد بودیم. به گونه‌ای که در ایرلند و همچنین اسکاتلند مردم رای به ماندن در اتحادیه اروپا دادند که این مسئله می‌تواند زنگ خطر تجزیه بریتانیا را برای این کشور به صدا در آورد. نتیجه همه‌پرسی به تفکیک مناطق بریتانیا به شرح زیر است:

<sup>۱</sup> Britain exits the EU

<sup>۲</sup> Schengen Treaty



برخی هواداران برگزیت علت حمایتشان از برگزیت را اینگونه عنوان می‌کنند که اتحادیه اروپا حاکمیت ملی بریتانیا را زیر سؤال برده و همچنین موجب جلوگیری از رشد بریتانیا در عرصه بین الملل شده است. برخی کارشناسان نیز مسئله برگزیت را به شدت با ناسیونالیسم فزاینده در جهان و خصوصا به قدرت رسیدن گروه‌های راست افراطی در اروپا مرتبط می‌دانند (Friedman, 2016). برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دلایل دیگری نیز ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به شرایط جغرافیایی ویژه این کشور (جزیره‌ای بودن) و همچنین روابط فرآتلانتیک اشاره نمود.

البته سال ۲۰۱۶ تنها زمانی نبود که مسئله حضور بریتانیا در اتحادیه اروپا مورد مناقشه قرار گرفت. در دهه ۱۹۵۰ که دوران تشکیل جامعه ذغال و فولاد اروپا به واسطه حضور کشورهای بلژیک، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، آلمان و هلند بود، بریتانیا مخالفت خود با آن را اعلام کرد؛ چرا که شومان تشکیل جامعه ذغال و فولاد اروپا را به عنوان گامی برای تشکیل ایالات متحده اروپایی مطرح کرده بود. به مرور زمان الزامات اقتصادی و کسب منافع بیشتر موجب شد که بریتانیا برای عضویت در اتحادیه اروپا اقدام کند (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۸۸). در سال ۱۹۶۳، زمانی که بریتانیا برای نخستین بار برای ورود به جامعه اقتصادی اروپا اقدام کرد، رئیس جمهور فرانسه کارلس دو گل<sup>۴</sup> عضویت این کشور را وتو کرد. وی انگلیس را «اسب تروای آمریکا» در اتحادیه اروپا می‌دانست (صباغیان، ۱۳۹۶، ۹۵۳). در نهایت بریتانیا در سال ۱۹۷۳ وارد باشگاه کشورهای عضو شد، اما تنها با فاصله دو سال از این اقدام در آستانه خروج از آن قرار گرفت. در سال ۱۹۷۵ دولت محافظه کار، یک همه‌پرسی را برای پاسخ به این پرسش که «آیا شما فکر می‌کنید بریتانیا باید در جامعه اقتصادی اروپا بماند؟» برگزار کرد. نتیجه شمارش آراء نشان داد که ۶۷.۲ درصد از مردم این کشور با ماندن در اتحادیه اروپا موافق بودند.

به نظر می‌رسد با گذشت زمان شرایط تغییر کرده است و نارضایتی از روابط میان بریتانیا و اتحادیه اروپا جایگزین رضایتمندی شده و شرایط ویژه‌ای را برای بریتانیا رقم زده است. از اولین پس لرزه‌های همه‌پرسی برگزیت، کناره‌گیری دیوید کامرون بود. اختلافات داخلی تا جایی پیش رفت که ترزا می<sup>۵</sup> نیز که برای خروج بدون توافق اعلام آمادگی کرده بود، به دلیل مخالفت پارلمان نتوانست به کار خود ادامه دهد و از سمت خویش استعفا داد. مسئله برگزیت صرفا به کشمکش‌های سیاسی مربوط نمی‌شود. چرا که این امر در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مؤثر بوده است. در همین خصوص می‌توان به بالا رفتن قیمت‌های حامل‌های انرژی برای مصارف خانگی و صنعتی اشاره کرد. همچنین به وجود ابهام در رابطه با آینده تجاری انگلیس، موجب کاهش سرمایه‌گذاری خارجی شده است (Elijah, 2019: 2). با توجه به آنچه گفته شد مسئله برگزیت به عنوان مهم‌ترین رویداد قرن اخیر در بریتانیا، مسیری پیچیده و پر از ابهام را جلوی پای دولتمردان و کارشناسان بریتانیا گذاشته و همچنین دارای اثرات مهمی در سطح بین الملل است.

<sup>3</sup> . European Economic Community

<sup>4</sup> . Charles de Gaulle

<sup>5</sup> . Theresa May

**۳. چارچوب نظری: واقع‌گرایی نوکلاسیک**

واقع‌گرایی قدیمی‌ترین نظریه در عرصه روابط بین‌الملل است. این مکتب در عرصه عملی قدیمی‌تر از عرصه نظری است. واقع‌گرایی کلاسیک را با شرح توسیدید از جنگ‌های پلوپنزی مرتبط می‌دانند (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۶). البته در این که نخستین اندیشمند بزرگ واقع‌گرایی چه کسی بوده است، اتفاق نظر وجود ندارد. واقع‌گرایی را به عنوان نظریه دولت محور<sup>۶</sup> در روابط بین‌الملل می‌شناسند. این نظریه به شدت روی مفاهیمی چون بقا<sup>۷</sup>، عقلانیت<sup>۸</sup> و موازنه قوا<sup>۹</sup> تأکید دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۸).

واقع‌گرایی نوکلاسیک یکی از شاخه‌های واقع‌گرایی است که پس از مورد انتقاد واقع شدن نواقع‌گرایی و به طور خاص برای تحلیل سیاست خارجی تکوین یافت. واقع‌گرایان نوکلاسیک نیز همانند واقع‌گرایی به نقش و تأثیر فضای آنارشیک بین‌المللی در تداوم یافتن منازعات در جهان اذعان دارند. چرا که در نبود یک حاکمیت و اقتدار مرکزی برای حل منازعات و در شرایطی که منافع کشورهای مختلف با یکدیگر تداخل دارد، ادامه یافتن رقابت بین کشورها امری اجتناب‌ناپذیر است. در این نظریه به نقش و جایگاه کشور در عرصه بین‌الملل به عنوان یک عنصر مهم توجه می‌شود. همچنین یکی دیگر از عناصر مهم و مشترک این نظریه با واقع‌گرایی اهمیت منابع مادی در برآورد قدرت یک کشور است. البته ارزیابی قدرت یک کشور مسئله‌ای پیچیده است؛ چرا که برای تخمین آن باید به توانایی آن کشور در به فعلیت رساندن منابع مادی و انسانی توجه کرد. آنها بر خلاف نواقع‌گرایان صرفاً به جایگاه کشور در عرصه بین‌الملل توجه نمی‌کنند و به بینش‌های ذهنی و رفتارهای کارگزاران دولت و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی کشورها برای تحلیل رویدادهای بین‌المللی نیز می‌پردازند. این نظریه در عین لحاظ کردن نقش منابع مادی و قدرت نظامی در سیاست خارجی، تحلیل این فاکتورها را امری ساده تلقی نمی‌کند و سعی دارد با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های تصمیم‌سازی و ترکیب سطوح مختلف تحلیل نظریه جامعی را برای ارزیابی سیاست خارجی کشورها ارائه دهد. چرا که چگونگی بسیج منابع مادی و انسانی نیز، جدای از میزان منابع، نقش به‌سزایی در میزان قدرت یک کشور و جایگاه آن در جهان دارد. واقع‌گرایی نوکلاسیک را به دو گونه تهاجمی و تدافعی تقسیم می‌کنند که عمده دلیل این تقسیم‌بندی، نوع نگاه به آنارشی بین‌المللی است. در گونه تهاجمی به دلیل شدت اثر آنارشی بین‌المللی اتخاذ سیاست‌های توسعه طلبانه و تهاجمی نتیجه محتوم اتخاذ این رویکرد است. در رویکرد تدافعی تلاش بر این است که از طریق ایجاد نهادهای بین‌المللی تا حد امکان از وقوع جنگ جلوگیری شود و تنها در صورتی که معضل امنیتی به سطح بالایی برسد، نتیجه می‌تواند بروز جنگ باشد (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۳۳).

دو فاکتور اساسی که در تحقیق حاضر به آن‌ها پرداخته شده است، سیاست خارجی بریتانیا و آمریکا است. این دو کشور که متحد اصلی یکدیگر نیز به شمار می‌روند، دارای سابقه طولانی در زمینه موازنه قوا به عنوان یک مفهوم اساسی در نظریه واقع‌گرایی هستند. در دوران جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا به طور گسترده دست به موازنه قوا علیه اتحاد جماهیر شوروی زد. این کشور برای جلوگیری از نفوذ شوروی سیاست سد نفوذ<sup>۱۰</sup> را در پیش گرفت و در راستای همین سیاست بود که کشورهای اروپایی را به تشکیل جامعه اقتصادی اروپا تشویق کرد. موازنه قوا در سیاست خارجی بریتانیا از سابقه طولانی‌تری برخوردار است. اجرای این راهبرد در سیاست خارجی بریتانیا را می‌توان در خصوص مقابله با آلمان هیتلر و فرانسه دوران ناپلئون به خوبی مشاهده کرد. از همین رو، در پژوهش حاضر از چارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک استفاده شده است.

6. state centric

7. survival

8. rationality

9. balance of power

10. containment

۴. روابط فرا آتلانتیک<sup>۱۱</sup>؛ عنصری مهم در سیاست خارجی بریتانیا

روابط فرا آتلانتیکی برای بریتانیا چیزی بیش از مسائل نظامی، اطلاعاتی، مالی و تجاری است و این موضوع ریشه در ارزش‌ها، تاریخ و منافع مشترک دو کشور دارد (The House of Commons, 2010:11). در اوایل قرن بیستم، جهان شاهد حضور ابر قدرتی بود که نزدیک به یک چهارم از سرزمین‌های مسکونی جهان را تحت سیطره خود داشت. در طی آن دوران بریتانیا به عنوان امپراطوری بزرگی شناخته می‌شد که خورشید هرگز در مستعمراتش غروب نمی‌کرد و بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی جهان بود. پس از جنگ جهانی دوم شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد و قدرتی تازه‌نفس که از خرابی‌های جنگ‌های جهانی در امان مانده بود وارد عرصه بین‌الملل شد. از بسیاری از جهات، بریتانیا به عنوان فاتح جنگ جهانی، عضو دائم شورای امنیت و دارای حق وتو در میان کشورهای قدرتمند جهان تا حدی توانست نقش خود در دنیا را حفظ کند. اما شرایط دنیا به گونه‌ای تغییر کرده بود که بریتانیا بدون همراهی ابر قدرتی چون ایالات متحده آمریکا نمی‌توانست جایگاه خود را در سطح بین‌الملل حفظ کند. از این رو، اتحاد فرا آتلانتیکی به طور جدی در دستور کار طرفین قرار گرفت. ایالات متحده و بریتانیا با همکاری یکدیگر در قلب سیاست مهار گسترش فزاینده کمونیسم قرار داشتند. رئیس‌جمهور آمریکا، هری ترومن<sup>۱۲</sup> در پاسخ به درخواست انگلیسی‌ها در خصوص جنگ داخلی یونان، دکترین ترومن را وارد گفتمان سیاست خارجی کرد که در واقع برای ننگ داشتن یونان در اردوگاه غرب ساخته و پرداخته شده بود. چرچیل نیز در دوران نخست‌وزیری، در سخنرانی خود در کالج وست مینیستر، عبارت پرده آهنین<sup>۱۳</sup> را برای سلطه شوروی در شرق اروپا ابداع کرد. هم‌سویی با آمریکا در مقابل شوروی ضمن تضمین امنیت بریتانیا نقش مؤثری در کاهش هزینه‌های نظامی این کشور پس از ویرانی‌های جنگ جهانی داشته است (Baylis, 1984). از این پس، بریتانیا بیش از پیش پیشرفت خود را در ارتباط با آمریکا می‌دید و از این طریق توانست در میان کشورهای اروپایی از جایگاه خوبی برخوردار شود. البته در کنار تمامی مزیت‌های یاد شده همواره انتقادهای زیادی متوجه رابطه نامتوازن این دو کشور بوده است. چرا که این رابطه همواره بریتانیا را در موضع ضعیف‌تر قرار داده است (Wright, 2002). از لحاظ تاریخی، دوره نخست‌وزیری مارگارت تاچر و ریاست جمهوری ریگان به عنوان نقطه عطفی در روابط دو کشور محسوب می‌شود. «رابطه ویژه» در دهه ۱۹۸۰ در این دوران تقویت شد. رابطه محکم بین دو رهبر و محیط بین‌الملل در آن زمان، عزم و جنبشی را برای ارتقای سطح روابط آمریکا و انگلیس فراهم کرد که از پایان جنگ جهانی دوم دیده نشده بود. تاچر به شدت از عزم دولت ریگان برای در هم شکستن اتحاد جماهیر شوروی حمایت کرد. عزمی که با افزایش هزینه‌های دفاعی، مورد حمله قرار دادن کشورهای کمونیسم پیرامونی، جنگ نرم و مورد هجوم قرار دادن رهبران شوروی از طریق راه‌های دیپلماتیک همراه بوده است. این اتحاد به قدری مستحکم بود که وقتی انگلیس ناو جنگی را برای حمله به نیروهای آرژانتینی در جنگ جزایر فالکلند در سال ۱۹۸۲ اعزام کرد، آمریکا هیچ‌گونه مخالفتی از خود بروز نداد. در حالی که بر اساس دکترین مونرو<sup>۱۴</sup> و هم‌چنین منشور سازمان دولت‌های آمریکایی، از آمریکایی‌ها انتظار می‌رفت در مقابل ماجراجویی انگلیسی‌ها موضع‌گیری کنند. هر چند در همه ادوار از جمله این دوران طلایی، تنش‌هایی چون مسئله حمله گراناذا در سال ۱۹۸۳ که خشم تاچر را برانگیخت و در پی آن در سال ۲۰۱۴ تماس ضبط شده‌ای از دونالد ریگان در حالی که از نخست‌وزیر انگلیس عذرخواهی می‌کرد منتشر شد، وجود داشت، اما به طور کلی این دو کشور در سیاست خارجی، به طور هماهنگ با یکدیگر عمل کردند. تغییرات در ساختار قدرت در عرصه بین‌الملل، پس از فروپاشی بلوک شرق به طور محسوس‌تری مشاهده گردید. از طرفی اتحادیه اروپا در حال یافتن جایگاه خود به عنوان یک قدرت اقتصادی در دنیا بود و از سویی دیگر آلمان و ژاپن که کشورهای مغلوب در جنگ جهانی محسوب می‌شدند، به پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های اقتصادی دست یافتند و در این زمینه، بریتانیا را به چالش کشیدند. این کشورها از طریق مشارکت سیاسی نقش به‌سزایی در شکل‌دهی به امور سیاست بین‌الملل داشتند. مؤلفه‌های افول بریتانیا محدود به حوزه بین‌الملل نمی‌شود. تمایلات تجزیه طلبانه اسکاتلند و ولز که ریشه در پیش‌زمینه‌های تاریخی این کشورها دارد نیز حاکمیت بریتانیا را به چالش کشیده است. اسکاتلند در مجلس عوام انگلیس دارای کمیته‌ای متشکل از نمایندگان منطقه دارد و به دنبال افزایش اختیارات خود در خصوص تصمیم‌گیری درباره مسائل این منطقه است (خالوزاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۱). این مسائل و چالش‌ها به نوعی به عنوان عاملی برای نزدیک‌تر شدن بریتانیا به آمریکا در قالب «روابط ویژه» که توسط چرچیل به طور جدی وارد گفتمان سیاسی شد، به ایفای

<sup>11</sup> .trans-Atlantic alliance

<sup>12</sup> . Harry Truman

<sup>13</sup> . iron curtain

<sup>14</sup> . Monroe doctrine

نقش پرداخت. به این ترتیب روابط با آمریکا با عنوان آتلانتیک گرایی<sup>۱۵</sup> که به طور کلی به آموزه همکاری میان اروپای غربی و آمریکای شمالی اشاره دارد، به عنصر اساسی و بی‌بدیلی در سیاست خارجی بریتانیا تبدیل شد.

در واقع، لندن به وسیله مشروعیت بخشی آمریکا به نقش خود، در جایگاهی ویژه برای نقش بازی کردن در سطح بین الملل قرار گرفت. در ازای آن نیز انگلیس به حمایت مستحکم از رهبری جهانی واشنگتن اقدام کرده است. به علاوه، واشنگتن حمایت و اعتبار بخشی قدرتمندی را از انگلیس برای سیاست‌هایی که دیگران با آن‌ها مشکل دارند، دریافت کرده است. عملکرد آمریکا در بمباران لیبی در آوریل ۱۹۸۶ بهترین نمونه این امر است. زمانی که آمریکا نتوانست سایر کشورهای اروپایی، همچون فرانسه و اسپانیا را برای حمایت لجستیکی متقاعد سازد، از لندن استفاده کرد. در آن زمان، فقط انگلیس حاضر به فراهم کردن مستلزمات بمباران لیبی برای ایالات متحده شد. در خصوص نبرد خلیج فارس نیز بعدها و در دوران ریاست جمهوری جرج بوش و نخست وزیری تونی بلر، روابط دو کشور جانی تازه گرفت. در خصوص حادثه یازدهم سپتامبر، بریتانیا به سرعت به همراهی دکتترین جرج بوش در سیاست خارجی پرداخت. پس از حمله القاعده به اهداف آمریکایی سربازان بریتانیا در راستای اجرای سیاست جنگ علیه تروریسم<sup>۱۶</sup>، در نوامبر سال ۲۰۰۱ به نیروهای آمریکایی در حمله به افغانستان پیوستند. آنان همچنین آمریکا را در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ یاری کردند. سربازان انگلیسی با تأسیس پایگاهی در بصره اقدام به اشغال جنوب این کشور کردند. ائتلاف نظامی آمریکا و بریتانیا در این دوران نیز با حضور ۱۱۰۰۰ پرسنل نظامی آمریکا در بریتانیا ادامه یافت و بریتانیا نیز در برنامه دفاع موشکی بالستیک آمریکا<sup>۱۷</sup> شرکت کرد (Dumbrell, 2006). علی‌رغم این که هدف اعلام شده برای جنگ که همان خلع صدام حسین از قدرت بود، تحقق یافت، عواملی از قبیل فقدان سلاح‌های کشتار جمعی که به عنوان توجیهی برای اقدامات ائتلاف غربی اعلام شده بود، جنگ را به درازا کشانید. مسائلی از این دست سبب شد نخست وزیر بلر با شایعات زیادی مبنی بر این که وی دست نشانده و تحت فرمان آمریکا است، مواجه شود. دوران جانشین بلر، گردون براون، با سرد شدن نسبی روابط دو کشور و افول روابط فرا آتلانتیکی همراه است. هر چند این دو کشور در این بازه زمانی نیز مواضع هماهنگ خود در خصوص بسیاری از مسائل از جمله آن چه تروریسم می‌خواندند را حفظ کردند و تا کنون نیز این روابط ویژه به عنوان عنصری مهم در سیاست خارجی بریتانیا تلقی شده است.

##### ۵. نقش روابط فرا آتلانتیک در تحقق برگزیت

یکی از عناصر مهم در سیاست خارجی بریتانیا که در کنار حاکمیت و هویت ملی، به عنوان یک عامل اساسی در مقابل همگرایی اتحادیه اروپایی ایستاده است، فرا آتلانتیک گرایی است. این عنصر را با گفتمان تاجریسم در ارتباط دانسته‌اند؛ چرا که در دوره نخست وزیری وی، اروپایی سازی امری حاشیه‌ای محسوب می‌شد و روابط با آمریکا بیش از پیش در سیاست خارجی بریتانیا پررنگ شده بود. مارگارت تاجر بسیار بیشتر به سوی اهداف ناتو و فرایند فرا آتلانتیکی تمایل نشان داده است (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۴-۵). رابطه با آمریکا در تقابل و تضاد با تمامی مصادیق مفهوم اروپاگرایی قرار دارد. از جمله آن مصادیق می‌توان به سازمان همکاری اقتصادی کشورهای اروپایی، ارز رایج یورو، معاهده شنگن، پیمان بروکسل، شورای اروپا و معاهده لیسبون اشاره کرد. بریتانیا به وسیله این عامل توانست در ساختار بین‌الملل در سطح جهان به جایگاهی مطلوب برسد و در عین حال به همین وسیله فاصله خود را از اتحادیه اروپا حفظ کرده است. در حقیقت این ارتباط برای بریتانیا دارای کارکردی دوگانه بود. به طوری که از سویی عضویت بریتانیا در همکاری‌های اروپایی را تسهیل می‌کرد و با توجه به نفوذ آمریکا موجب حفظ جایگاه این کشور در میان اعضای اتحادیه اروپا می‌شد و از سویی دیگر مانع عضویت بریتانیا در هرگونه معاهده و یا سازمان اروپایی که حاکمیت ملی این کشور را زیر سؤال می‌برد و یا هویت بریتانیا را خدشه دار می‌کرد، می‌شد (نقیب‌زاده و همویی، ۱۳۹۲: ۲۳). این تضاد و تقابل به مرور زمان به عنوان عاملی مؤثر در خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا ایفای نقش کرد. این نقش، هنگامی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا از برگزیت به عنوان یک پدیده بسیار زیبا یاد کرد، بیش از پیش تجلی یافت. دونالد ترامپ، اواسط ژانویه ۲۰۱۷ (دی ۱۳۹۵)، چند روز قبل از ورود به کاخ سفید، تصمیم بریتانیا را برای خروج از اتحادیه اروپا هوشمندانه و عالی دانست و گفت اوضاع این کشور بعد از برگزیت خیلی بهتر هم شده و در نهایت بریتانیا از این تصمیم بهره خواهد برد. وی همچنین استدلال کرد آلمان به شدت بر اتحادیه اروپا نفوذ دارد. ترامپ با اشاره به این نفوذ افزود که اتحادیه اروپا به مرکبی برای سواری آلمان تبدیل شده است. او تصمیم بریتانیا برای ترک اتحادیه اروپا را نشانه خواست مردم این کشور برای حفظ هویت خود دانست و پیش‌بینی کرد که سایر کشورهای اروپایی نیز از این اتحادیه خارج خواهند

<sup>15</sup> . Atlanticism

<sup>16</sup> . War on terror

<sup>17</sup> . US Ballistic Defence program

شد. در همین راستا جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا، نیز اعلام کرد که آمریکا از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا حمایت خواهد کرد. او این امر را به عنوان حضور یک کشور مستقل در ناتو ضروری دانست و آن را به عنوان نشانی برای این که همواره دموکراسی پیروز است ارزیابی کرد (ایرنا، ۱۳۹۸). حمایت‌های ایالات متحده آمریکا از برگزیت تا آن جایی پیش رفت که موجب شد رئیس وقت کمیسیون اتحادیه اروپا، ژان کلود یونکر، به دولت ترامپ در خصوص حمایت از جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا به شدت هشدار دهد. وی از اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، درباره آینده اتحادیه اروپا به شدت انتقاد کرد و گفت اگر ترامپ به این رویکرد ادامه دهد و از کشورهای اروپا بخواهد از برگزیت الگوبرداری کرده و اتحادیه اروپا را ترک کنند، استقلال ایالات آمریکایی تگزاس و اوهایو را خواستار خواهد شد (پرس تی وی، ۱۳۹۶). رویکرد ضد اروپایی ترامپ از همان ابتدا خشم سران اتحادیه اروپا را برانگیخته است؛ به طوری که در پی به قدرت رسیدن ترامپ، اتحادیه اروپا به آمریکا در خصوص تعهداتش هشدار داد و از رشد فزاینده ناسیونالیسم و نفوذ احزاب راست افراطی ابراز نگرانی کرد (مددی، ۱۳۹۶: ۶۹). سران این اتحادیه بر این باورند که آمریکا با این اقداماتش، تمامیت اتحادیه را هدف گرفته است.

در خصوص هدف آمریکا از حمایت از برگزیت، یکی از اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ضمن اشاره به تمایل آمریکا به تضعیف اتحادیه اروپا که در واقع کارکرد اصلی آن مقابله با شوروی در جنگ سرد بود از تمایل آمریکا برای جدا کردن فرانسه از اتحادیه اروپا سخن گفت (جمالی نوبندگانی، ۱۳۹۶). در حقیقت دیگر آمریکا متمایل به وجود بلوک قدرتمندی به نام اتحادیه اروپا در سطح بین الملل نیست.

در ماه آگوست سال ۲۰۱۹ (مرداد ماه ۱۳۹۸) مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا به بریتانیا سفر کرد تا با مقامات بریتانیا از جمله بوریس جانسون، نخست وزیر این کشور، در خصوص مسائل مختلف از جمله برگزیت گفتگو کند. وی در طی این گفتگوها هر گونه احتمالی را در خصوص این که برگزیت بهترین راه در پیش‌روی مردم انگلستان نباشد را کنار گذاشت و در راستای حمایت از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، به آراء بیرون آمده از صندوق‌های رأی در همه‌پرسی برگزیت اشاره کرد. او به صورت طعنه آمیز در مورد رهبران اتحادیه اروپا گفت که شیوه آنان این است که هرگاه مردم مطابق خواست ایشان رأی ندهند آن قدر همه‌پرسی برگزار می‌کنند تا خواست آنان به کرسی بنشینند. با توجه به نخست وزیری کسی که نسبت به ترزا می، تنش‌های کم‌تری با دونالد ترامپ دارد؛ کاخ سفید بسیار امیدوار است بتواند روابط بهتری با بریتانیا برقرار کرده و خروج این کشور از اتحادیه اروپا را قطعی نماید (Atwood, 2019). در عمل نیز مذاکرت برگزیت، در زمان نخست وزیری بوریس جانسون با سرعت بیشتری نسبت به زمان نخست‌وزیری ترزا می پیش رفته است.

## ۶. پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا برای ایالات متحده آمریکا

### ۱.۶. پیامدهای اقتصادی

درست یک روز پس از همه‌پرسی برگزیت، شاخص Dow Jones ۶۱۰۰۳۲ واحد سقوط کرد. بازار ارز نیز دچار آشفتگی شد. یورو با ۲ درصد کاهش به ۱.۱۱ دلار رسید. پوند انگلیس نیز سقوط کرد. هر دوی این حوادث ارزش دلار را افزایش دادند. به گفته برخی کارشناسان این قدرت نسبی، برای سهام‌های بورس ایالات متحده خوب نیست. چرا که این مسئله سهام شرکت‌های آمریکایی را برای سرمایه‌گذاران خارجی گران می‌کند. در نتیجه این امر قیمت طلا با افزایش ۶ درصدی از ۱۲۵۵ دلار به ۱۳۳۳ دلار رسید. از سویی دیگر، پوند ضعیف موجب گران شدن صادرات ایالات متحده آمریکا به بریتانیا می‌شود. این مسئله بر بخش کشاورزی و تولیدات صنعتی آمریکا اثر گذار است. بریتانیا چهارمین بازار صادراتی آمریکا است. نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است این است که ایالات متحده بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در بریتانیا است. شرکت‌های آمریکایی بیش از ۵۸۸ میلیارد دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند و بیش از یک میلیون نفر را استخدام کرده‌اند. بسیاری از این شرکت‌ها برای محافظت در مقابل یک برگزیت سخت و یا بدون توافق شعبات زیادی را در سراسر اروپا افتتاح کرده‌اند. سرمایه‌گذاری انگلیس در آمریکا نیز تقریباً در همین سطح است. این مسئله می‌تواند بر دو میلیون شغل در هر دو کشور آمریکا و بریتانیا اثر گذارد. البته این مسئله دارای ابهاماتی است که خود این سایه ابهام موجب کاهش رشد می‌شود. منتقدان برگزیت با توجه به تأثیراتی که در خصوص اقتصاد آمریکا و انگلیس به آن اشاره شد، این رفراندوم را به عنوان رأیی علیه جهانی سازی تلقی می‌کنند (Amaedo, 2019). در حقیقت، اثرات منفی برگزیت که متوجه اتحادیه اروپا و بریتانیا است می‌تواند دامن‌گیر شرکت‌های آمریکایی نیز بشود. اکثر شرکت‌ها برنامه‌هایی را به تعویق انداخته‌اند و یا شروع به توسعه برنامه‌های اضطراری کرده‌اند که سناریوهای بالقوه را مرتفع می‌کند. آنچه باعث ایجاد ریسک و نگرانی داشتن سرمایه‌گذاری می‌شود این است که وضوح کمی درباره اینکه چه کسی مذاکرات را رهبری می‌کند و این مذاکرات چه شکلی خواهد بود، وجود دارد. برای شرکت‌های آمریکایی که در اروپا حضور فعالی دارند ممکن است نزدیک به سه سال طول بکشد تا در خصوص شرایط موجود تصمیم درستی بگیرند.



در خصوص تجارت جهانی، نامشخص بودن مذاکرات برگزیت موجب کاهش سرمایه‌گذاری در بریتانیا می‌شود و احتمالاً این امر به سراسر اقتصاد جهانی از جمله اقتصاد آمریکا نیز تسری پیدا خواهد کرد. برخی کارشناسان معتقدند که شرکت‌های آمریکایی با کارخانه‌های انگلستان که وارد اتحادیه اروپا می‌شوند و محصولاتی را در آنجا می‌فروشند، به طور موقت از یک مزیت نسبی برخوردار خواهند بود. اما مسئله این است که طبق آنچه گفته شد این مزیت، به وسیله هزینه واردات، تعرفه‌ها و عوارض جبران می‌شود (Murad, 2017).

البته این امکان نیز وجود دارد که پس از برگزیت کشورهای اتحادیه اروپا و بریتانیا به یک راه حل جدید برای مبادله کالاها، خدمات و اداره زنجیره تولید دست یابند که در این صورت کارخانه‌ها و تولیدکنندگان از این فرصت برای ساخت یک سیستم کارآمدتر و مقاوم‌تر استفاده خواهند کرد. یکی از مشکلات اصلی در خصوص برگزیت این است که هنوز مشخص نیست که بریتانیا به دنبال یک برگزیت نرم است که به وسیله آن اکثر منافع حضور در اتحادیه اروپا را دارا باشد و صرفاً از برخی مسائل چون قوانین مهاجرت جلوگیری کند و یا این که به دنبال یک برگزیت سخت و بدون توافق است که ضمن این که کشور را از منافع حضور در اتحادیه دور می‌کند، بیش‌ترین تأثیر را نیز بر اقتصاد جهانی و کشورهایی چون آمریکا می‌گذارد (Kreft, 2019).

در خصوص نرخ بهره، برگزیت به طور واضحی ارزش دلار را در مقابل سایر ارزهای مبادلاتی بالا خواهد برد. نرخ بهره و ارزش دلار به یکدیگر وابسته‌اند. به طوری که در صورت تغییر یکی، دیگری نیز به نسبت خاصی تغییر خواهد کرد. در خصوص برگزیت، تغییرات ارز قابل توجه بوده است. دلار در حدود ۱۰ درصد تا ۱۵ درصد قدرت خرید بیشتری در مقابل پوند به دست آورده است. اگر پوند بیش از این کاهش یابد، این می‌تواند باعث تقویت دلار آمریکا شود. تأثیر افزایش ارزش دلار بر اقتصاد آمریکا، مشابه آن است که فدرال رزرو، نرخ بهره را بالا برد. از سویی دیگر، دولت بریتانیا در حال استفاده از نوع خاصی سیستم مالیاتی رقابتی است که این امر می‌تواند مانع از خروج شرکت‌های آمریکایی از این کشور شود و روابط تجاری دو کشور را تحکیم کند. مسئله دیگری که در این خصوص حائز اهمیت است، تأثیر برگزیت بر بخش مسکن در آمریکا است. کارشناسان معتقدند در شرایطی که آمریکا برای حمایت از یک برگزیت بدون توافق آماده می‌شوند. حتی در بدترین شرایط نیز این مسئله باعث رکود در آمریکا نمی‌شود. هر چند شوک‌های اقتصادی دیگر در کنار یک برگزیت بدون توافق ممکن است موجب رکود در سال ۲۰۲۰ شود. به طور کلی برگزیت تأثیر کمی بر قیمت مسکن خواهد داشت (Velt, 2019).

## ۲.۶. پیامدهای سیاسی

در پی دیدار جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا، با مقامات بریتانیا، برخی کارشناسان بر این باورند وی که به دنبال تغییر حکومت در ایران، کوبا و ونزوئلا است و همچنین از طرفداران دخالت نظامی در افغانستان و لیبی بوده است؛ در حقیقت، برای امضای توافق‌نامه تجاری به انگلستان نیامده است. بلکه می‌خواهد از بریتانیا در راستای اهداف کشورش سوء استفاده کند. علی‌رغم برکنار شدن وی که معروف به جنگ طلبی و نادیده انگاشتن توافقات بین‌المللی چون برجام است، به نظر می‌رسد سیاست ایالات متحده آمریکا در خصوص برگزیت تغییر محسوسی نداشته باشد. آمریکا در خصوص حمایت از برگزیت به دنبال اهداف متعددی است. یکی از این اهداف تضعیف اتحادیه اروپا است. چرا که اتحادیه اروپا که در گذشته در کنار آمریکا و در مقابل شوروی نقش ایفا می‌کرد، اکنون در شرف تبدیل شدن به یک رقیب اقتصادی برای آمریکا است. با توجه به مخالفت دونالد ترامپ با دکتترین دفاعی امانوئل مکرون برای تشکیل ارتش مستقل اروپایی به طوری که این قاره بتواند از خود در مقابل تهدیدات، مستقلاً دفاع کند، که در قالب متهم کردن وی به اعمال سیاست‌های جنگ طلبانه شبیه به آلمان در جنگ‌های جهانی اول و دوم تجلی یافت (Baynes, 2019)، جلب حمایت بریتانیا برای این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. از سویی دیگر احتمالاً آمریکا به دنبال هم سو کردن نخست وزیر بریتانیا و دومینیک راب، وزیر خارجه این کشور، در خصوص سیاست‌های فشار بر ایران است. چیزی که در خصوص پیوستن بریتانیا به ائتلاف خلیج فارس و اعزام سومین ناو جنگی بریتانیا به منطقه نیز مشاهده شد. همچنین دیدار نخست وزیر رژیم صهیونیستی با همتای بریتانیایی خود در همین چارچوب قابل تحلیل است. چرا که طبق گزارشات، یکی از محورهای اساسی صحبت‌های بوریس جانسون و نتانیاهو مسئله سازش میان طرف‌های فلسطینی و اسرائیلی و همچنین جدیت طرفین برای مقابله با ایران بوده است. نتانیاهو قبل از سفر به لندن در مورد گام سوم در جهت کاهش تعهدها اشاره کرده بود که رژیم صهیونیستی شاهد نقض عهد ایران در زمینه اشاعه هسته‌ای است و ادامه فعالیت‌های ستیزه‌جویانه ایران برای حمله به این رژیم است (فارس، ۱۳۹۸). بر این اساس آمریکا امیدوار است که بتواند به وسیله حضور بیشتر بریتانیا در منطقه غرب آسیا از منافع رژیم صهیونیستی در این منطقه دفاع کند.

از سوی دیگر آمریکا در شرایط جنگ تجاری با پکن و خصوصا شرکت تجاری هوآوی<sup>۱۸</sup> است. طبیعی است که در چنین شرایطی آمریکایی‌ها به دنبال استفاده از دوستان انگلیسی خود در این مورد باشند. نباید اهمیت خروج ایالات متحده آمریکا از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای میان‌برد را از یاد برد. با توجه به سخنان جان بولتون در مورد نقش مهم بریتانیا در ناتو، آمریکایی‌ها به دنبال جلب حمایت بی‌قید و شرط بریتانیا در مسابقه تسلیحاتی با روسیه و چین هستند (Tisdall, 2019).

به طور کلی یکی از دلایل اصلی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این است که این اتحادیه به شکل مانعی برای حضور جهانی بریتانیا به عنوان قدرتی بزرگ<sup>۱۹</sup> ایفای نقش می‌کند. بر همین اساس دولت انگلستان تلاش می‌کند که با خروج از اتحادیه اروپا بتواند فعالیت‌های استعماری خویش در سراسر دنیا، خصوصا منطقه غرب آسیا را از سر گیرد. در همین خصوص گاوین ویلیامسون<sup>۲۰</sup>، وزیر دفاع وقت انگلستان در مصاحبه‌ای با دیلی تلگراف در دی ماه ۱۳۹۷ گفته است: «پس از برگزیت پایگاه‌های نظامی جدیدی در سراسر جهان از جمله منطقه خلیج فارس ایجاد خواهد شد. سیاست دهه ۶۰ میلادی برای خروج از مناطق شرق سوئز از بین رفته است و انگلستان فرصت "بازیابی" نقش خود در عرصه جهانی را مغتنم می‌شمارد و مردم انگلیس باید نسبت به آینده‌مان خوش‌بین‌تر باشند» (Williamson, 2018). با توجه به این مسئله و نفوذ گفتمان فرا آتلانتیک‌گرایی در سیاست خارجی بریتانیا، حضور مجدد این کشور پس از سال‌ها در منطقه غرب آسیا عمدتا در جهت همکاری با ایالات متحده خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

تصمیم انگلستان به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی، برای خروج از اتحادیه اروپا تأثیرات بسیار مهمی بر متحد اصلی این کشور یعنی ایالات متحده آمریکا دارد. این تأثیرات در هر دو جنبه درونی و بین‌المللی آمریکا قابل بررسی و حائز اهمیت است. البته باید اشاره کرد که این تأثیرات دو طرفه بوده و رابطه با آمریکا نیز همواره نقش مؤثری در سیاست خارجی بریتانیا ایفا کرده است. از این رو، با توجه به نقش روابط فرا آتلانتیکی در تحقق فرآیند برگزیت در این تحقیق تلاش بر این بود که این تأثیرات بررسی و نقش آمریکا در این مسئله روشن گردد. نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که از بسیاری از جنبه‌های برگزیت یک شوک برای وضعیت داخلی آمریکا محسوب می‌شود. البته این شوک به تنهایی به قدری نیست که این کشور را وارد رکود کند. تأثیر دیگر برگزیت برای آمریکایی‌ها مربوط به افزایش حضور بریتانیا در جهان می‌شود. در شرایطی که خروج انگلستان از اتحادیه اروپا موجب تضعیف این اتحادیه می‌شود، ایالات متحده آمریکا به شدت تمایل دارد تا از حضور بریتانیای جهانی در راستای منافع خود بهره‌برداری کند. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود حضور بریتانیا در عرصه جهانی عمدتا در همکاری با آمریکا و در مقابل رقبای سیاسی و اقتصادی این کشور قابل توجیه است.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>18</sup> . Huawei

<sup>19</sup> . Great power

<sup>20</sup> . Gavin Williamson

منابع و مراجع  
 الف) فارسی

- ۱- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۹۶)، برگزیت و پیامدهای حقوقی، ژئوپلیتیکی و سیاسی- امنیتی آن، نشریه وزارت علوم، شماره ۲۲، ص ۱۵۷-۱۸۵.
- ۲- ایرنا (۱۳۹۸/۳/۱۱)، بولتون: آمریکا خواستار خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا است، آخرین بازدید در ۱۳۹۸/۶/۲۱، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83335707/>
- ۳- پرس تی وی (۱۳۹۶/۱/۱۰)، هشدار اتحادیه اروپا به ترامپ، آخرین بازدید در ۱۳۹۸/۶/۲۱، قابل دسترسی در: <https://www.presstv.com/DetailFr/2017/03/31/516209/EU-commission-president-warns-Trump-Brexit-support-presstv>
- ۴- بیات، سبحان؛ کلاتری، پویا (۱۳۹۷)، بررسی روند بازگشت انگلستان به غرب آسیا، از ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۹. فصلنامه علمی تخصصی ره‌آورد سیاسی انجمن علمی معارف اسلامی و علوم سیاسی، شماره ۵۲، ص ۳۱-۷.
- ۵- جکسون، رابرت؛ سورنسون، جرج (۱۳۹۶)، درآمدی بر روابط بین الملل، مهدی ذاکریان و دیگران، چاپ هفتم، تهران: انتشارات میزان.
- ۶- جمالی نویندگانی، محمد جواد (۱۳۹۶/۱/۱۲)، خانه ملت، آخرین بازدید در ۱۳۹۸/۴/۲۱، قابل دسترسی در سایت: <https://www.icana.ir/Fa/News/>
- ۷- خالوزاده، سعید (۱۳۷۷)، نقش انگلیس در معادلات قدرت در اروپا، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۸- خالوزاده، سعید و دیگران (۱۳۸۴)، کتاب اروپا: ویژه روابط انگلیس با اتحادیه اروپا، تهران: ابرار معاصر.
- ۹- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- صباغیان، علی؛ باقری، ابراهیم (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل ساختارمند روابط بریتانیا با اتحادیه اروپا از عضویت تا برگزیت، مجله سیاست، دوره ۴۷ (شماره ۴)، ص ۹۴۹-۹۶۸.
- ۱۱- فارس (۱۳۹۸/۶/۱۴)، نتانیاهو در دیدار با جانسون خواستار مقابله انگلیس با ایران شد، آخرین بازدید در ۱۳۹۸/۶/۲۱، قابل دسترسی در سایت فارس نیوز.
- ۱۲- مددی، جواد (۱۳۹۶)، چشم‌انداز روابط آمریکای ترامپ با انگلیس، آلمان و فرانسه. مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۷۲، ص ۶۵-۹۰.
- ۱۳- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- قدی‌نژاد، حسن (۱۳۸۷). رویکرد بریتانیا به وحدت اروپا، ش ۱۸، ص ۱۸۴-۲۱۰، قابل دسترسی در سایت مرکز تحقیقات استراتژیک به آدرس: <http://www.csr.ir/departments>
- ۱۵- نقیب‌زاده، احمد؛ همویی، فاطمه (۱۳۹۲)، انگلیس و اروپا تحلیل گفتمان سیاست خارجی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۴، ص ۱-۳۴.

ب) انگلیسی

- 1- Amaedo, Kimberly (2019) Brexit Consequences for the U.K., the EU, and the United States, last seen at 9/12/2019, available at the balance: <https://www.thebalance.com/brexit-consequences-4062999>
- 2- Atwood, Kylie (2019), Bolton pushes for Brexit, telling UK officials 'we are with you', last seen at 9/12/2019, available at CNN: <https://edition.cnn.com/2019/08/12/politics/john-bolton-london-brexit-boris-johnson/index.html>
- 3- Baylis, J. (1984) Anglo-American Defence Relations 1939-1984: The Special Relationship. 2nd Edition. London: Macmillan.

- 
- 4- Baynes, Chris (2018), the Independent, Trump taunts Macron over European army with world war jibe: 'They were learning German in Paris before US came along', last seen at 9/12/2019, available at: <https://www.independent.co.uk/news/world/americas/us-politics/trump-emmanuel-macron-eu-army-tweet-world-war-nato-germany-remembrance-day-a8631426.html>
- 5- Dumbrell, J. (2000), A Special Relationship. Anglo-American Relations in the Cold War and After. 2nd Edition. London: Macmillan.
- 6- Tisdall, Simon (2019), John Bolton doesn't want a trade deal with the UK – he wants to colonise us, last seen at 9/12/2019, available at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2019/aug/13/john-bolton-trade-deal-uk-colonise>
- 7- Elijah, Acquah-Andoh; O.Ifelebugegu, Augustine; C.Theophilus, Stephen (2019). Brexit and UK energy security: Perspectives from unconventional gas investments and the effect of shale gas on UK energy prices, school of energy.
- 8- Friedman, George (2016), 3 Reasons Brits Voted for Brexit, last seen at (7/12/2019), available at: <https://www.forbes.com/sites/johnmauldin/2016/07/05/3-reasons-brits-voted-for-brexite/#71c1c2ce1f9d>
- 9- Kreft, Elham Mafi (2019). Pacific Standard, WHAT WOULD A 'HARD BREXIT' MEAN FOR THE UNITED STATES?, last seen at 9/12/2019, available at: <https://psmag.com/economics/what-would-a-hard-brexite-mean-for-the-us>
- 10- McBride, James (2019), What Brexit Means, council on foreign relations (1/16/2019), last seen at (7/12/2019), available at: [https://www.cfr.org/backgrounder/what-brexite-means?gclid=CjwKCAjw9dboBRBUEiwA7VrrzcZn0aPMV1DDev4WQv8Gf7DWm0RQvVW4BR9qx8oqxNw49EnWYNVnThoCor0QAvD\\_BwE](https://www.cfr.org/backgrounder/what-brexite-means?gclid=CjwKCAjw9dboBRBUEiwA7VrrzcZn0aPMV1DDev4WQv8Gf7DWm0RQvVW4BR9qx8oqxNw49EnWYNVnThoCor0QAvD_BwE)
- 11- Murad, Andrea (2017), Six ways Brexit could affect the US, last seen at 9/12/2019, available at ICAs: <https://www.icas.com/ca-today-news/six-ways-brexite-could-affect-the-us>
- 12- Smout, Alistair (2018). From Churchill to Trump: Key moments in the UK-U.S. special relationship, Reuters, (7/6/2018), last seen at (7/12/2019) available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-britain-moments/from-churchill-to-trump-key-moments-in-the-uk-u-s-special-relationship-idUSKBN1JW0IM>
- 13- The House of commons (2010) Global Security: UK-US relations, London, the foreign affairs committee.
- 14- Velt (2019), Could brexits effects impact US housing market?, last seen at 9/12/2019, available at: <https://www.realtrends.com/blog/could-brexite-effects-impact-u-s-housing-market/>
- 15- Williamson, Gavin (2018). Britain to become 'true global player' post-Brexit with military bases in South East Asia and Caribbean, says Defence Secretary. Retrieved from: <https://www.telegraph.co.uk/politics/2018/12/29/britain-become-true-global-player-post-brexite-new-military-bases/>
- 16- Wright, B. (2002) "Analysis: Anglo-American 'special relationship'", BBC News, 6 April [Online]. Available at: <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/americas/1913522.stm> (Accessed: 2 November 2012).